Journal of Interpretive Innovations
http://iij.araku.ac.ir
ISSN: 2821-2754

Building Tasks in the Verses of the Holy Qur'an Based on Gee's Applied Linguistics Approach

Abdolamir Amari[a], Bahman Gorjian[b]*, Shahram Peyman[c]

[a] Department of Linguistics, Arv. C., Islamic Azad University, Abadan, Iran
[b] Professor, Department of ELT, Arv. C., Islamic Azad University, Abadan, Iran
[c] Assistant professor, Department of Linguistics, Arv. C., Islamic Azad University, Abadan, Iran

KEYWORDS

Holy Qur'an, Building Tasks, Discourse Analysis, Applied Linguistics

Received: 01 October 2026;
Accepted: 08 November 2026

Article type: Research Paper
DOI:10.22034/iij.2026.2107612.1095

ABSTRACT

A precise and profound understanding of the Holy Qur'an requires the application of linguistic methods and approaches that can uncover its semantic and structural layers. This study examines discourse constructs in the verses of the Holy Qur'an based on Gee's applied linguistics framework, which represents one of the contemporary approaches in this field. The research focuses on seven discourse constructs proposed within this framework and analyzes their manifestation in Qur'anic verses. The study employs a qualitative method. The data consist of Qur'anic dialogues found across Quranic surahs. Data analysis is conducted through an examination of the frequency and impact of these discourse constructs in the Holy Qur'an. Furthermore, the significance and role of each construct in the understanding and interpretation of Qur'anic texts are investigated. The findings reveal a hierarchical pattern in the use of discourse constructs within Qur'anic dialogues, reflecting their relative importance. In descending order of frequency, the discourse constructs identified in the Qur'anic verses are: significance, activities, practices, identities, sign systems and knowledge, relationships, and politics/connections. The creative deployment of these discourse structures, as reflected in their frequency of occurrence, demonstrates their effectiveness in conveying the intended meanings of this divine scripture and facilitating readers' comprehension of Qur'anic texts.

* Corresponding author.
E-mail address: bahman.gorjian@iau.ac.ir

نوآوری‌های تفسیری، دوره ۴، شماره ۱، سال ۱۴۰۵، صفحات ۱۱۶ تا ۱۳۰

نوآوری‌های تفسیری

شاپا: ۲۷۵۴-۲۸۲۱

ساخت گفتمانی در آیات قرانی کریم بر مبنای رویکرد زبان‌شناسی کاربردی جی

عبدالامیر عماری [الف] ، بهمن گرجیان [ب*] ، شهرام پیمان [ج]

[الف] گروه زبان‌شناسی، واحد بین‌المللی اروند، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران، ab.ammari@iau.ac.ir

[ب] استاد گروه زبان‌شناسی، واحد بین‌المللی اروند، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران، bahman.gorjian@iau.ac.ir

[ج] استادیارگروه زبان‌شناسی، واحد بین‌المللی اروند، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران، sh.peyman@iau.ac.ir

واژگان کلیدی

قرآن کریم، تحلیل کلام، ساخت‌های گفتمانی، زبان‌شناسی کاربردی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۸/۱۷

مقاله علمی پژوهشی

چکیده

دستیابی به درکی ژرف و جامع از قرآن کریم مستلزم بهره‌گیری از رویکردها و ابزارهای زبان‌شناختی است که بتوانند ابعاد معنایی و ساختاری این متن مقدس را آشکار سازند. پژوهش حاضر با تکیه بر ساخت‌های گفتمانی جی (۲۰۱۴) بر چگونگی بازنمایی و کارکرد ساخت‌های گفتمانی در متن قرآن پرداخته است. این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و به صورت کیفی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل ۵۰ گفت‌وگوی قرآنی در ۷۱ سوره و در مجموع ۱۷۵۲ آیه است. داده‌های گردآوری‌شده از طریق بررسی میزان فراوانی و کارکرد ساخت‌های گفتمانی در آیات قرآن کریم مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. همچنین نقش و اهمیت هر یک از این ساخت‌ها در فرایند فهم، تفسیر و کشف معانی نهفته در متون قرآنی ارزیابی و بحث شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که کاربرد ساخت‌های گفتمانی در قرآن از نظام سلسله‌مراتبی تبعیت می‌کند که با میزان اهمیت و کارکرد هر ساخت در ارتباط با ساخت‌های دیگر پیوند مستقیم دارد. بر این اساس، ساخت‌های گفتمانی از نظر فراوانی و میزان حضور در آیات قرآن کریم به‌ترتیب شامل ساخت‌های اهمیت، موضوعیت، عملکرد، هویت، دانش/نشانه‌ها، ساختار و شیوه بیان هستند.. نتایج همچنین نشان می‌دهد که به‌کارگیری خلاقانه این ساخت‌های گفتمانی در قرآن کریم نقش مؤثری در انتقال مقاصد و پیام‌های الهی ایفا می‌کنند و زمینه را برای فهم دقیق‌تر و عمیق‌تر مفاهیم قرآنی از سوی مخاطبان فراهم می‌سازد. توزیع فراوانی این ساخت‌ها نیز بیانگر جایگاه و تأثیر متفاوت هر یک از آن‌ها در سازمان‌دهی گفتمان قرآنی و هدایت خواننده به سوی درک بهتر معانی آیات است.

۱. مقدمه

این پژوهش با هدف تحلیل گفتمانی ساخت‌های هفت‌گانه کلام در آیات قرآن کریم بر اساس رویکرد زبان‌شناسی کاربردی جیمز پل جی (۲۰۱۴) انجام شده است. زبان در این رویکرد، فراتر از ابزاری ارتباطی، ساختی فرهنگی و اجتماعی است که در تعیین و تفسیر واقعیت‌های معنوی، شکل‌گیری هویت‌ها و بازنمایی روابط نقش محوری دارد (حجتی، ۱۳۷۲؛ کامیار، ۱۳۶۲). جی (۲۰۱۴) در چارچوب نظری خود هفت ساخت گفتمانی شامل «اهمیت» (برجسته‌سازی مفاهیم از طریق تأکید و تکرار)، «موضوعیت» (تمرکز متن بر فعالیت‌ها و موضوعات سازمان‌یافته)، «شیوه بیان» (سبک ارائه پیام شامل واژگان، ساختار نحوی و آرایه‌های بلاغی)، «پیوند کلامی» (تعاملات میان گوینده، مخاطب یا شخصیت‌ها)، «عملکرد» (کارکردهای کنشی زبان نظیر امر، نهی، تشویق و هشدار)، «هویت» (بازنمایی جایگاه

* نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیک: bahman.gorjian@iau.ac.ir

اجتماعی و اعتقادی افراد و گروه‌ها) و «دانش/نشانه‌ها» (به‌کارگیری نظام‌های نشانه‌ای و منابع معرفتی) را معرفی می‌کند که در تبیین چگونگی انتقال پیام نقش اساسی دارند و در این تحقیق به‌عنوان الگویی برای تحلیل مکالمات قرآنی به‌کار رفته‌اند.

در زمینه پیشینه پژوهش، مطالعات متعددی به ابعاد گوناگون زبان قرآن پرداخته‌اند؛ از جمله ساعدی (۱۳۸۱) و صفوی (۱۳۸۷) با تکیه بر نظریه کنش گفتاری و کاربردشناسی، بر وجود نیروی منظوری و اهداف ارتباطی فراتر از معنای ظاهری در گزاره‌های قرآنی تأکید کرده‌اند و نشان داده‌اند که هر گزاره علاوه بر معنای واژگانی، دارای اهدافی چون هدایت، ارشاد، هشدار و اقناع است. ویسی و جلالی (۱۳۸۶) نیز انسجام نظام معنایی واژگان را بررسی کرده و یادآور شده‌اند که مفاهیم دینی در قالب شبکه‌ای مرتبط سازمان یافته‌اند. عباسی (۱۳۹۲) نقش کنش‌های گفتاری را در ترجمه قرآن تحلیل کرده و بر ضرورت بازتاب کارکردهای ارتباطی آیات در ترجمه تأکید نموده است، و تمیمی (۱۳۹۲) پیوند میان زبان و ساختارهای قدرت را از طریق نظریه ادب واکاوی کرده است. همچنین ویسی و اورکی (۱۳۹۴الف، ب) با بررسی چالش‌های ترجمه و کارکردهای بلاغی جملات استفهامی، نشان داده‌اند که پرسش‌های قرآنی غالباً کارکردهایی همچون تذکر و اقناع را بر عهده دارند و فهم دقیق متن نیازمند توجه به بافت فرهنگی و ارتباطی است.

با وجود این تحقیقات گسترده، بررسی ساخت‌های گفتمانی قرآن بر اساس چارچوب جامع جی (۲۰۱۴) همچنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با پیوند دادن مطالعات قرآنی و زبان‌شناسی کاربردی، زمینه را برای درکی عمیق‌تر از شیوه‌های بیان قرآن فراهم کرده و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که آرایش و نحوه توزیع ساخت‌های گفتمانی هفت‌گانه در آیات قرآن کریم بر اساس نظریه جی چگونه است و این ساخت‌ها از نظر بسامد و کاربرد چه سلسله‌مراتبی دارند و چگونه تبیین می‌شوند.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی ـ تحلیلی و با تمرکز بر ماهیت کیفی، تلاش کرده است تا ساخت‌های گفتمانی آیات قرآن کریم را به‌صورت نظام‌مند بررسی کند. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی آیات قرآن کریم است که به دلیل تنوع موضوعی بالا و غنای مفهومی بی‌نظیر، بستری بسیار مناسب و جامع برای تحلیل‌های گفتمانی و بررسی ابعاد گوناگون معنایی، ساختی و پیوندی فراهم می‌آورند. پیکره زبانی این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده است؛ به این معنا که آیات و مکالمات قرآنی متناسب با اهداف تحقیق و قابلیت بررسی ساخت‌های گفتمانی گزینش شده‌اند. این پیکره شامل ۵۰ مکالمه قرآنی مشتمل بر ۱۷۵۲ آیه از ۷۱ سوره مختلف قرآن کریم (از جمله سوره‌های مبارکه بقره، یوسف و لقمان) است که با هدف پوشش‌دهی جامع موضوعات متنوع دینی، اخلاقی و اجتماعی انتخاب گردیده‌اند تا امکان شناسایی و تحلیل دقیق هفت ساخت گفتمانی مطرح در چارچوب نظری جیمز پل جی (۲۰۱۴) یعنی اهمیت، موضوعیت، شیوه بیان، پیوند کلامی، عملکرد، هویت و دانش/نشانه‌ها به طور کامل فراهم شود.

در فرایند تفسیر و فهم دقیق مفاهیم آیات، از ترجمه معتبر قرآن کریم اثر الهی قمشه‌ای (۱۳۸۲) بهره گرفته شده است و برای تبیین عمیق‌تر لایه‌های معنایی و تفسیری متن، از تفسیر المیزان تألیف علامه طباطبایی (۱۳۹۴) استفاده شده است. فرایند گردآوری داده‌ها یکی از ارکان اساسی این پژوهش به شمار می‌آید؛ در این مرحله، اطلاعاتی نظیر شماره آیه، نام سوره، موضوع آیه، نوع ساخت گفتمانی و ویژگی‌های معنایی آن به دقت استخراج و ثبت گردیده است.

به‌منظور افزایش اعتبار نتایج و سنجش پایایی تحلیل‌ها، دو نفر از زبان‌شناسان آشنا با مفاهیم قرآنی به‌صورت کاملاً مستقل فرایند کدگذاری و دسته‌بندی داده‌ها را بررسی کردند که میزان توافق میان ارزیابان ۹۰ درصد به دست آمد؛ این میزان توافق بالا، پایایی و اعتمادپذیری مطلوب تحلیل‌ها را به اثبات می‌رساند.

پس از تأیید نهایی، داده‌ها به‌عنوان پیکره پژوهش برای شناسایی و تبیین ساخت‌های گفتمانی مورد استفاده قرار گرفتند. در بخش تحلیل داده‌ها، علاوه بر واکاوی عمیق مفاهیم، ساختارها و الگوهای گفتمانی متن قرآن بر اساس الگوی ساخت‌های گفتمانی جی (۲۰۱۴)، میزان فراوانی و درصد حضور ساخت‌های گفتمانی نیز بر اساس الگوی ارائه‌شده در پژوهش نادری (۱۳۹۳) مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. چارچوب نظری تحلیل گفتمان این امکان را فراهم می‌سازد تا ساخت‌های زبانی فراتر از سطح جمله مطالعه شده و چگونگی شکل‌گیری معنا در بافت گفتمانی تبیین گردد. در مجموع، فرایند پژوهش از شناسایی منابع، تفاسیر و آیات دارای ساختار گفت‌وگویی آغاز شده و پس از استخراج، کدگذاری، تعیین فراوانی و بررسی کارکردهای معنایی، به ارزیابی نقش ساخت‌های گفتمانی در فهم، تفسیر و انتقال پیام‌های اعتقادی، اخلاقی و تربیتی قرآن کریم ختم شده است تا نتایج حاصل بتواند گامی مؤثر در توسعه مطالعات میان‌رشته‌ای میان علوم قرآنی و زبان‌شناسی کاربردی باشد.

۳. یافته‌های پژوهش

به دلیل تعداد زیاد مثال‌های تحلیل شده از ساخت‌های گفتمانی در قرآن کریم، نمونه‌هایی از ساخت‌های گفتمانی برای تبیین بهتر نحوه شناسایی و تحلیل ساخت‌های گفتمانی بر اساس چارچوب هفت‌گانه جی (۲۰۱٤) به صورت نمونه، شماره آیه و نام سوره ارائه می گردد.

مثال ۱: ساخت گفتمانی اهمیت در آیه ۲۵۵ سوره بقره (آیةالکرسی): «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ...»، این آیه با تأکید بر صفات الهی و جایگاه یگانه خداوند، اهمیت مفهوم توحید را برجسته می‌سازد. تکرار اوصاف الهی و ساختار تأکیدی آیه، نقش ساخت «اهمیت» را در برجسته‌سازی پیام اصلی نشان می‌دهد.

مثال ۲: ساخت گفتمانی موضوعیت درآیه ۱۸۳ سوره بقره: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ... »، این آیه به فعالیت عبادی روزه‌داری می‌پردازد و چگونگی انجام یک عمل دینی را در چارچوب زندگی مؤمنان تبیین می‌کند. در اینجا، ساخت موضوعیت از طریق معرفی یک کنش عبادی مشخص نمایان می‌شود.

مثال ۳: ساخت گفتمانی عملکرددر آیه ۱۷ سوره لقمان:«يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنكَرِ... »، در این آیه مجموعه‌ای از رفتارها و اعمال مطلوب دینی معرفی شده است. تأکید بر اقامه نماز و امر به معروف، بیانگر ساخت عملکرد و شیوه بیان عمل مؤمنان در زندگی فردی و اجتماعی است.

مثال ٤: ساخت گفتمانی هویت در آیه ٥٤ سوره مائده:«فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ... »، این آیه ویژگی‌های هویتی مؤمنان راستین را توصیف می‌کند. صفاتی همچون محبت به خدا، فروتنی در برابر مؤمنان و استواری در راه حق، هویت دینی گروه مورد نظر را شکل می‌دهد.

مثال ۵: ساخت گفتمانی دانش/نشانه‌ها در آیه ١٦٤ سوره بقره: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»، این آیه با اشاره به نشانه‌های الهی در آفرینش، مخاطب را به کسب معرفت و تفکر دعوت می‌کند. ارتباط میان

پدیده‌های طبیعی و شناخت خداوند، نمود ساخت دانش و نشانه‌ها است.

مثال ٦: ساخت گفتمانی پیوند کلامی درآیه ۸۳ سوره بقره: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا... »، این آیه بر شیوه بیان تعامل زبانی و پیوندی با دیگران تأکید دارد. توصیه به سخن نیکو بیانگر نوع رابطه مطلوب میان افراد جامعه و اهمیت پیوند کلامی در گفتمان قرآنی است.

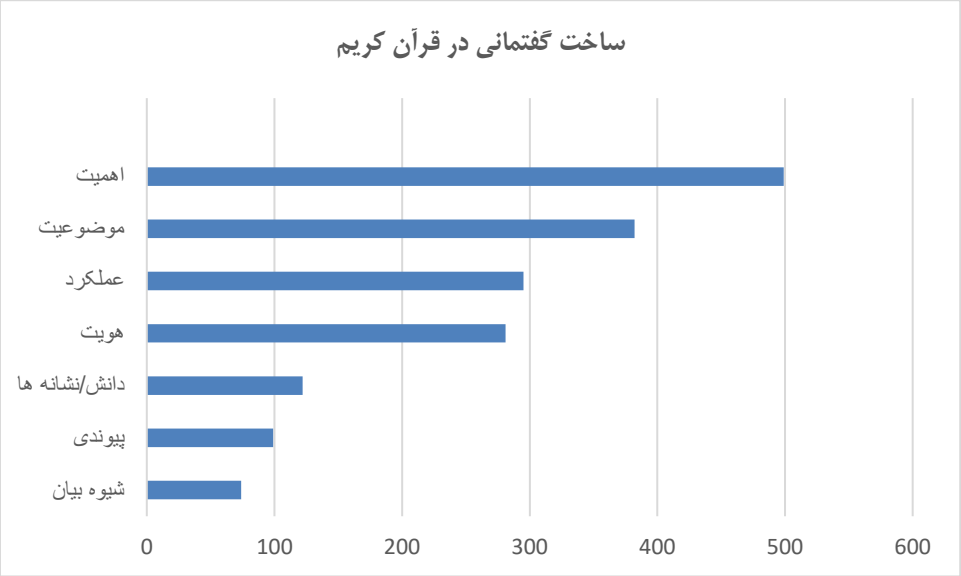
مثال ۷: ساخت گفتمانی شیوه بیان در آیه ٦ سوره حجرات: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا... »، این آیه روش صحیح مواجهه با اخبار و اطلاعات را آموزش می‌دهد. تأکید بر تحقیق و بررسی پیش از قضاوت، نمونه‌ای از ساخت شیوه بیان است که چگونگی دستیابی به شناخت معتبر را تبیین می‌کند. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که ساخت‌های گفتمانی در آیات قرآن کریم به‌صورت نظام‌مند در انتقال مفاهیم، شکل‌دهی روابط معنایی و هدایت مخاطب به سوی فهم عمیق‌تر پیام‌های الهی نقش ایفا می‌کنند.

در پاسخ به سوال اول پژوهش مبنی بر چگونگی بسامد و اولویت ساخت‌های گفتمانی هفت گانه در قرآن کریم بر اساس نظریه جی شکل گرفته است که در جدول ۱ پاسخ آن آمده است.

جدول ۱: بسامد ساخت‌های گفتمانی در گفتمان‌های منتخب

ردیف	**ساخت** گفتمانی	**تعداد آیات**	**درصد**
۱	اهمیت	٤۹۹	۲۸/٥
۲	موضوعیت	۳۸۲	۲۱/۸
۳	عملکرد	۲۹٥	۱٦/۸
٤	هویت	۲۸۱	۱٦/۰
٥	دانش/نشانه‌ها	۱۲۲	۷/۰
٦	پیوندی	۹۹	٥/۷
۷	شیوه بیان بیان	۷٤	٤/۲
	جمع	۱۷٥۲	۱۰۰

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که بسامد ساخت‌های گفتمانی هفت‌گانه در آیات قرآن کریم یکسان نیست. بر اساس یافته‌ها، ساخت گفتمانی «اهمیت» بیشترین فراوانی را در میان آیات مورد بررسی دارد، در حالی که ساخت «شیوه بیان» کمترین میزان کاربرد را به خود اختصاص داده است. با توجه به داده‌های آماری ارائه‌شده، می‌توان یافته‌های پژوهش را در قالب یک بحث علمی بر اساس نظریه جیمز پل جی تبیین کرد. مجموع فراوانی ساخت‌های گفتمانی برابر با ۱۷٥۲ مورد است که توزیع آن‌ها نشان‌دهنده اولویت‌های گفتمانی قرآن کریم ازبالا به پایین است. نمودار ۱ نشانگر بهتر بسامد یافته‌ها است.



نمودار ۱ نشان می‌دهد که ساخت اهمیت با فراوانی ۴۹۹ مورد (۲۸/۵ درصد) بیشترین بسامد را در آیات مورد بررسی دارد.

این یافته نشان می‌دهد که مهم‌ترین کارکرد گفتمان قرآن، برجسته‌سازی مفاهیم، ارزش‌ها و باورهای بنیادین است. از منظر جی، زبان همواره برای «مهم جلوه دادن» برخی امور و «کم‌اهمیت نشان دادن» امور دیگر به کار می‌رود. فراوانی بالای این ساخت در قرآن بیانگر آن است که متن قرآنی پیش از هر چیز درصدد جهت‌دهی نظام ارزشی مخاطب است. از دیدگاه جی، یکی از کارکردهای اساسی گفتمان، برجسته‌سازی برخی مفاهیم، ارزش‌ها و موضوعات و قرار دادن آنها در کانون توجه مخاطب است. گفتمان از طریق تکرار، تأکید، تقابل، مثال‌آوری و پیوند دادن مفاهیم به پیامدهای خاص، مشخص می‌کند که چه اموری برای مخاطب مهم، ارزشمند یا شایسته توجه‌اند. از این منظر، اهمیت‌سازی صرفاً به معنای تکرار یک واژه نیست، بلکه فرایندی است که از طریق آن، یک مفهوم در شبکه معنایی گفتمان مرکزیت و ارزش تفسیری پیدا می‌کند.

در گفتمان قرآنی، تأکید مکرر بر مفاهیمی مانند توحید، تقوا، ایمان، عدالت، معاد و هدایت نمونه روشنی از این فرایند است. تکرار و بازنمایی این مفاهیم در موقعیت‌های مختلف باعث می‌شود آنها از سطح مفاهیم منفرد فراتر رفته و به محورهای اصلی نظام معنایی قرآن تبدیل شوند. برای مثال، توحید تنها یک گزاره اعتقادی نیست، بلکه در ارتباط با اخلاق، رفتار، مسئولیت انسانی و رابطه انسان با خدا معنا پیدا می‌کند. همچنین تقوا و ایمان در بسیاری از موارد با اعمال و انتخاب‌های انسان پیوند می‌یابند و بدین ترتیب، از مفاهیم انتزاعی به معیارهایی برای ارزیابی رفتار تبدیل می‌شوند. اهمیت‌سازی در اینجا دارای یک کارکرد سازمان‌دهنده نیز هست. هنگامی که مفاهیمی مانند عدالت، هدایت و تقوا به‌طور مکرر برجسته می‌شوند، سایر گزاره‌ها و کنش‌های مطرح‌شده در گفتمان نیز در نسبت با آنها قابل تفسیر می‌شوند. در نتیجه، مخاطب به‌تدریج یک نظام اولویت‌بندی ارزشی دریافت می‌کند که در آن برخی باورها و رفتارها مطلوب و مهم، و برخی دیگر نامطلوب و مردود معرفی می‌شوند.

از این منظر، یافته مربوط به فراوانی بالای اهمیت‌سازی نشان می‌دهد که گفتمان قرآنی ماهیتی به‌شدت ارزش‌محور دارد. یعنی تولید معنا در آن صرفاً از طریق ارائه اطلاعات یا روایت رویدادها صورت نمی‌گیرد، بلکه مفاهیم و ارزش‌ها

به‌طور مستمر برجسته می‌شوند تا چارچوبی برای تفسیر جهان، انسان و رفتار انسانی فراهم شود. به بیان دیگر، قرآن نه تنها به مخاطب می‌گوید «چه چیزی وجود دارد»، بلکه تا حد زیادی مشخص می‌کند «چه چیزی مهم است»، «چه چیزی ارزشمند است» و «چه چیزی باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که برجسته‌سازی و اهمیت‌بخشی به ارزش‌های دینی و اخلاقی یکی از محورهای اصلی سازمان‌دهی گفتمان قرآنی است. فراوانی بالای این ساخت نشان می‌دهد که گفتمان قرآن از طریق تعیین اولویت‌های ارزشی، زمینه لازم را برای شکل‌گیری سایر برساخت‌ها، از جمله هویت‌سازی، فعالیت‌سازی، رابطه‌سازی و دانش‌سازی، فراهم می‌کند. در این معنا، اهمیت‌سازی را می‌توان یکی از سازوکارهای مرکزی دانست که به گفتمان قرآنی جهت ارزشی، انسجام مفهومی و قدرت هدایت‌کنندگی می‌بخشد. تأکید مکرر بر مفاهیمی مانند توحید، تقوا، ایمان، عدالت، معاد و هدایت نمونه‌ای از این راهبرد گفتمانی است. بنابراین می‌توان گفت که برجسته‌سازی و اهمیت ارزش‌های دینی و اخلاقی، محور اصلی سازمان گفتمان قرآنی را تشکیل می‌دهد.

ساخت موضوعیت با فراوانی ۳۸۲ مورد (۲۱/۸ درصد) قرار دارد. این یافته نشان می‌دهد که قرآن میان مفاهیم، رخدادها و موضوعات مختلف پیوندهای گسترده‌ای برقرار می‌کند. در گفتمان قرآنی، این پیوندسازی در سطوح مختلف قابل مشاهده است. یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها، پیوند میان دنیا و آخرت است. در این چارچوب، زندگی دنیوی به‌عنوان حوزه‌ای مستقل و جدا از سرنوشت اخروی بازنمایی نمی‌شود؛ بلکه اعمال و انتخاب‌های انسان در دنیا با پیامدهای اخروی آنها مرتبط می‌شوند. بدین ترتیب، میان «عمل در زمان حال» و «نتیجه در آینده» یک رابطه معنایی ایجاد می‌شود و مخاطب رفتار خود را در چارچوبی فراتر از موقعیت آنی تفسیر می‌کند. پیوند تاریخ پیامبران و اقوام گذشته با وضعیت مخاطبان عصر نزول نیز نمونه مهم دیگری از این ساخت است. روایت‌های مربوط به پیامبران پیشین صرفاً برای ارائه اطلاعات تاریخی مطرح نمی‌شوند؛ بلکه از طریق بازخوانی آنها، میان تجربه جوامع گذشته و وضعیت مخاطبان قرآن ارتباط برقرار می‌شود. به این ترتیب، یک رویداد تاریخی به تجربه‌ای قابل تفسیر برای مخاطب معاصر تبدیل می‌شود و گذشته در خدمت فهم و ارزیابی وضعیت حال قرار می‌گیرد. این فرایند را می‌توان نوعی پیوند زمانی و بینامتنی دانست که در آن گذشته، حال را توضیح می‌دهد و حال نیز از طریق گذشته معنا پیدا می‌کند. همچنین، پیوند میان آیات تکوینی و آیات تشریعی نشان می‌دهد که در گفتمان قرآنی میان جهان هستی و نظام اخلاقی و رفتاری انسان ارتباط برقرار می‌شود. پدیده‌های طبیعی، آفرینش، انسان و نظم موجود در جهان می‌توانند به‌عنوان نشانه‌هایی برای تأمل و شناخت مطرح شوند و سپس این شناخت با باورها، مسئولیت‌های اخلاقی و رفتارهای انسانی ارتباط پیدا کند. بنابراین، جهان طبیعی و نظام تشریع در دو حوزه کاملاً جدا از یکدیگر قرار نمی‌گیرند، بلکه در یک شبکه معنایی مشترک تفسیر می‌شوند.

بسامد ساخت موضوعیت نشان می‌دهد که گفتمان قرآنی از طریق ایجاد ارتباط میان حوزه‌های مختلف تجربه انسانی، یک شبکه مفهومی گسترده ایجاد می‌کند. این شبکه موجب می‌شود مفاهیمی مانند ایمان، عمل، دنیا، آخرت، تاریخ، طبیعت، اخلاق و هویت به‌صورت عناصر منفرد و پراکنده ظاهر نشوند، بلکه در ارتباط با یکدیگر معنا پیدا کنند. در نتیجه، معنای هر مفهوم تا حدی از جایگاه آن در این شبکه و رابطه آن با سایر مفاهیم حاصل می‌شود. این یافته همچنین با سایر برساخت‌های گفتمانی ارتباط دارد. برای مثال، پیوندسازی می‌تواند میان دانش و هویت، میان ارزش و فعالیت، و میان هویت و رابطه اجتماعی ارتباط برقرار کند. به عبارت دیگر، این ساخت را می‌توان یکی از سازوکارهای انسجام‌بخش گفتمان دانست که به سایر برساخت‌ها اجازه می‌دهد در یک نظام معنایی نسبتاً منسجم با یکدیگر قرار

گیرند. بنابراین، گفتمان قرآنی عمدتاً از طریق ایجاد روابط معنایی میان مفاهیم، رویدادها و حوزه‌های مختلف، به تولید معنا می‌پردازد. در این چارچوب، قرآن نه مجموعه‌ای از گزاره‌های مستقل و منفصل، بلکه شبکه‌ای از مفاهیم و روابط را شکل می‌دهد که در آن هر عنصر در ارتباط با عناصر دیگر تفسیر می‌شود. از این رو، می‌توان پیوندسازی را یکی از سازوکارهای مهم در ایجاد انسجام مفهومی، تداوم معنایی و یکپارچگی گفتمان قرآنی دانست.

ساخت عملکرد با فراوانی ۲۹۵ مورد (۱۶/۸ درصد) در رتبه سوم قرار دارد. این نتیجه بیانگر آن است که قرآن علاوه بر تبیین باورها، مخاطب را به انجام رفتارها و کنش‌های مشخص دعوت می‌کند. دستور به نماز، روزه، انفاق، جهاد، تفکر و اصلاح اجتماعی از جمله فعالیت‌هایی هستند که در متن قرآن بازنمایی شده‌اند. از منظر جی، زبان نه تنها واقعیت را توصیف می‌کند، بلکه فعالیت‌های اجتماعی را نیز سامان می‌دهد. بنابراین فراوانی نسبتاً بالای این ساخت بیانگر رویکرد عمل‌گرایانه قرآن در هدایت انسان است. این یافته نشان می‌دهد که در گفتمان قرآنی، هویت‌سازی فرایندی مستقل و منفک از نظام ارزش‌ها نیست؛ بلکه هویت افراد در ارتباط مستقیم با ارزش‌ها، باورها و معیارهایی شکل می‌گیرد که گفتمان ابتدا آنها را برجسته و معنادار می‌کند. به بیان دیگر، قرآن پیش از آنکه فرد را در یک موقعیت هویتی مشخص قرار دهد، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و معیارهای دینی را تعریف می‌کند و از طریق تکرار، تقابل و برجسته‌سازی آنها، یک شبکه معنایی و ارزشی در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. در این چارچوب، مفاهیمی مانند ایمان، تقوا، صلاح، کفر و نفاق صرفاً واژه‌هایی برای توصیف افراد نیستند، بلکه به‌عنوان مقوله‌هایی گفتمانی عمل می‌کنند که بر اساس آنها افراد و گروه‌ها طبقه‌بندی و هویت‌گذاری می‌شوند. برای مثال، «مؤمن» در ارتباط با مجموعه‌ای از باورها و کنش‌های مشخص معنا پیدا می‌کند؛ «متقی» بر اساس مجموعه‌ای از معیارهای اخلاقی و رفتاری تعریف می‌شود؛ و در مقابل، «منافق» و «کافر» نیز در چارچوب مجموعه‌ای از باورها، مواضع و رفتارهای مشخص به‌عنوان هویت‌های متمایز بازنمایی می‌شوند.

از دیدگاه جی، این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا هویت‌سازی با شناخت اجتماعی و جایگاه فرد در جهان اجتماعی ارتباط دارد. فرد از طریق قرار گرفتن در یک گفتمان، یاد می‌گیرد چه باورهایی را بپذیرد، چه ارزش‌هایی را مهم بداند، چه رفتارهایی را انجام دهد و خود را در نسبت با چه گروه‌ها و افرادی تعریف کند. بنابراین، هویت دینی در اینجا حاصل پیوند میان دانش، ارزش، باور، کنش و عضویت اجتماعی است. در نتیجه، می‌توان گفت که یافته حاضر نشان می‌دهد ساخت اهمیت‌سازی و ساخت هویت‌سازی در گفتمان قرآنی رابطه‌ای زنجیره‌ای و مکمل دارند: ابتدا ارزش‌ها و مفاهیم خاص برجسته می‌شوند؛ سپس این ارزش‌ها شبکه‌ای از معانی و معیارهای ارزشی ایجاد می‌کنند؛ و در مرحله بعد، افراد بر اساس میزان ارتباطشان با این معیارها در قالب هویت‌های مختلف بازنمایی می‌شوند. از این منظر، هویت‌هایی همچون مؤمن، متقی، صالح، منافق و کافر را می‌توان بخشی از یک نظام منسجم هویت‌سازی دینی دانست که در آن تعریف «انسان مطلوب» و «انسان نامطلوب» از طریق مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و رفتارهای معنادار صورت می‌گیرد.

ساخت دانش و نظام‌های نشانه‌ای با فراوانی ۱۲۲ مورد (۷ درصد) در رتبه پنجم قرار دارد. این یافته بیانگر آن است که قرآن دارای نظام معرفتی منسجمی است که بر مفاهیمی همچون علم، عقل، حکمت، بصیرت و وحی استوار است. هرچند فراوانی این ساخت نسبت به ساخت‌های پیشین کمتر است، اما نقش آن بنیادی است؛ زیرا سایر ساخت‌ها برای مشروعیت و اعتبار خود به این نظام دانشی تکیه دارند. در واقع دانش در قرآن بیشتر نقش پشتیبان و زیرساختی ایفا

می‌کند. از منظر گفتمانی، اهمیت این یافته صرفاً در تعداد موارد مربوط به «دانش» خلاصه نمی‌شود؛ بلکه باید به نقشی که دانش در مشروعیت‌بخشی به سایر برساخت‌های گفتمانی ایفا می‌کند نیز توجه کرد. برای مثال، هنگامی که قرآن مخاطب را به ایمان، تقوا، عمل صالح یا پذیرش یک ارزش اخلاقی دعوت می‌کند، این دعوت غالباً در یک چارچوب معرفتی قرار می‌گیرد؛ یعنی مخاطب ابتدا با نوعی شناخت، آگاهی یا نشانه مواجه می‌شود و سپس بر اساس آن، به اتخاذ موضع یا انجام عملی هدایت می‌شود. از این منظر، دانش می‌تواند حلقه واسط میان شناخت، باور و عمل باشد.

از سوی دیگر، مفهوم نظام‌های نشانه‌ای اهمیت ویژه‌ای دارد. جهان طبیعی، رخدادهای تاریخی، آفرینش انسان و پدیده‌های اجتماعی در گفتمان قرآن می‌توانند به‌عنوان «نشانه» یا آیه تلقی شوند. بنابراین، مخاطب صرفاً دریافت‌کننده گزاره‌های معرفتی نیست، بلکه به خواندن، تفسیر کردن و معنا دادن به نشانه‌ها دعوت می‌شود. در این چارچوب، فرایند شناخت از طریق ارتباط میان نشانه و معنا شکل می‌گیرد و مخاطب برای درک پیام دینی باید از ظرفیت‌های ادراکی و تفسیری خود استفاده کند. از نظر ارتباط با سایر برساخت‌ها نیز این ساخت جایگاه مهمی دارد. اهمیت‌سازی مشخص می‌کند چه چیزی ارزش توجه دارد؛ هویت‌سازی مشخص می‌کند فرد خود و دیگران را چگونه تعریف کند؛ فعالیت‌سازی رفتارهای مطلوب و نامطلوب را مشخص می‌کند؛ و رابطه‌سازی نوع روابط میان افراد و گروه‌ها را سازمان می‌دهد. ساخت دانش و نظام‌های نشانه‌ای می‌تواند برای این برساخت‌ها مبنای معرفتی و مشروعیت‌بخش فراهم کند. برای نمونه، هنگامی که یک رفتار به‌عنوان مطلوب معرفی می‌شود، دانش و ارزش‌های ارائه‌شده در گفتمان می‌توانند مبنای توجیه آن رفتار قرار گیرند.

از این منظر، قرار گرفتن این ساخت نظام‌های نشانه‌ای در رتبه پنجم نباید به معنای حاشیه‌ای بودن آن تلقی شود. فراوانی، اهمیت گفتمانی را به‌تنهایی تعیین نمی‌کند. یک برساخت ممکن است از نظر تعداد موارد محدودتر باشد، اما از نظر کارکرد، نقشی بنیادی در سازمان‌دهی سایر برساخت‌ها داشته باشد. در مورد ساخت دانش و نظام‌های نشانه‌ای، می‌توان استدلال کرد که بخش مهمی از کارکرد آن زیرساختی و پشتیبان است؛ یعنی این ساخت الزاماً همیشه به‌صورت مستقیم و مستقل ظاهر نمی‌شود، بلکه در بسیاری از موارد به سایر برساخت‌ها امکان می‌دهد که از نظر معرفتی و گفتمانی اعتبار پیدا کنند.

ساخت پیوند جملات با فراوانی ۹۹ مورد، معادل ۵/۷ درصد، در رتبه ششم در میان سازه‌های گفتمانی بررسی‌شده قرار گرفته است. این میزان فراوانی نشان می‌دهد که ایجاد و بازنمایی روابط میان کنشگران، مخاطبان و عناصر مختلف گفتمان در آیات قرآن از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، هرچند در مقایسه با سازه‌هایی مانند اهمیت‌سازی، موضوع‌سازی و فعالیت‌سازی، بسامد پایین‌تری دارد. از دیدگاه رویکرد گفتمان‌ساز جان پل جی، زبان صرفاً ابزاری برای انتقال اطلاعات نیست، بلکه وسیله‌ای برای برقراری و سازمان‌دهی روابط اجتماعی میان گوینده، مخاطب و سایر کنشگران گفتمان است. بنابراین، ساخت پیوند جملات را می‌توان در قرآن به‌عنوان یکی از سازوکارهای زبانی برای ایجاد، تقویت و جهت‌دهی به روابط میان عناصر گفتمان در نظر گرفت.

نکته مهم دیگر آن است که جدایی ظاهری آیات از نظر ساختاری لزوماً به معنای گسست معنایی آنها نیست. هر آیه ممکن است از نظر نحوی واحدی نسبتاً مستقل باشد، اما در بافت گسترده‌تر سوره، با آیات دیگر از طریق روابط معنایی، مفهومی و گفتمانی پیوند برقرار کند. همچنین، می‌توان این یافته را با مفهوم استعاره و فضاهای ذهنی مرتبط دانست. در برخی موارد، ارتباط میان جمله‌ها صرفاً رابطه‌ای مستقیم و صوری نیست، بلکه یک جمله می‌تواند زمینه‌ای شناختی

برای تفسیر جمله بعدی ایجاد کند. در چنین وضعیتی، مخاطب با ایجاد ارتباط میان گزاره‌ها، از یک فضای مفهومی به فضای دیگری منتقل می‌شود و معنای گسترده‌تری را شکل می‌دهد. بنابراین، پیوند میان جملات می‌تواند در ساخت و انتقال مفاهیم انتزاعی مانند ایمان، تقوا، هدایت، گمراهی، پاداش، عذاب، مسئولیت و عدالت نقش داشته باشد.

از منظر گفتمان‌ساز جی، این مسئله اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا یک متن زمانی به یک «گفتمان» تبدیل می‌شود که علاوه بر ارائه گزاره‌ها، به مخاطب نشان دهد چه کسی با چه کسی سخن می‌گوید، چه رابطه‌ای میان آنها وجود دارد، چه کنش‌هایی انجام می‌شود، چه ارزش‌هایی مهم تلقی می‌شوند و چگونه باید اطلاعات و نشانه‌های موجود را تفسیر کرد. بنابراین، بسامد ۹۹ موردی ساخت پیوند جملات را نمی‌توان صرفاً یک ویژگی آماری یا نحوی دانست. این یافته نشان می‌دهد که پیوندهای زبانی و معنایی میان جمله‌ها یکی از سازوکارهایی است که از طریق آن، روابط میان کنشگران و مفاهیم قرآنی برای مخاطب قابل بازسازی می‌شود .نتیجه این که ساخت پیوند جملات در گفتمان قرآن بیشتر از آنکه هدفی مستقل داشته باشد، به‌عنوان سازوکاری برای انسجام‌بخشی به شبکه‌ای از روابط اجتماعی، معنایی و شناختی عمل می‌کند. از این رو، پایین‌تر بودن بسامد آن را نباید به معنای کم‌اهمیت بودن این سازه تلقی کرد؛ بلکه نشان می‌دهد کارکرد آن بیشتر در خدمت سازه‌های کلان‌تر گفتمان، یعنی ساخت هویت، ارزش، فعالیت، اهمیت و نظام معرفتی، قرار دارد.

کمترین فراوانی به ساخت شیوه بیان با ۷٤ مورد (٤/۲ درصد) اختصاص یافته است. این ساخت در نظریه جی به چگونگی توزیع ارزش‌ها، امتیازات و جایگاه‌های اجتماعی اشاره دارد. پایین بودن بسامد آن می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که هدف اصلی قرآن پرداختن مستقیم به ساختارهای قدرت اجتماعی نیست، بلکه بیشتر بر اصلاح باورها، ارزش‌ها و رفتارهای انسانی تمرکز دارد. اهمیت این ساخت را باید در نوع کاربرد آن و نقش گفتمانی موارد شناسایی‌شده جست‌وجو کرد. قرآن در مواردی که به منزلت انسان، معیار برتری، عدالت، تبعیض، ثروت، نسب و روابط اجتماعی می‌پردازد، در واقع در حال بازتعریف معیارهای ارزش‌گذاری اجتماعی است. برای مثال، تأکید بر اینکه معیار برتری انسان‌ها صرفاً نسب، ثروت، قدرت یا موقعیت اجتماعی نیست و تقوا و شایستگی اخلاقی اهمیت اساسی دارد، نوعی جابه‌جایی در معیارهای سنتی منزلت اجتماعی ایجاد می‌کند. از این منظر، می‌توان گفت که گفتمان قرآنی الزاماً با ارائه یک بحث مستقیم درباره «ساختار قدرت» به بازسازی نظم اجتماعی نمی‌پردازد؛ بلکه معیارهای ارزشی‌ای را تغییر می‌دهد که بر اساس آنها افراد در جامعه ارزیابی و طبقه‌بندی می‌شوند**.** این نکته از نظر نظری اهمیت دارد، زیرا نشان می‌دهد تغییر در ساخت اجتماعی می‌تواند از طریق تغییر در نظام ارزش‌ها و معیارهای منزلت نیز صورت گیرد.

در نتیجه، پایین بودن فراوانی این برساخت را نباید به معنای فقدان توجه قرآن به مسائل اجتماعی دانست. بلکه می‌توان استدلال کرد که مسائل اجتماعی در گفتمان قرآنی غالباً از مسیرهای دیگری، مانند هویت‌سازی، رابطه‌سازی و اهمیت‌سازی، بازنمایی می‌شوند و شیوه بیان در نقاطی فعال می‌شود که نیاز به بازتعریف منزلت، ارزش و معیارهای اجتماعی وجود دارد. به همین دلیل، ۷۴ مورد شناسایی‌شده، علی‌رغم فراوانی کمتر، از نظر تحلیل گفتمانی می‌توانند شواهد مهمی برای نشان دادن نحوه بازسازی معیارهای ارزش‌گذاری اجتماعی در قرآن فراهم کنند.

بر اساس یافته‌های جدول، سلسله‌مراتب ساخت‌های گفتمانی در آیات مورد بررسی به صورت اهمیت ← موضوعیت ← عملکرد ← هویت ← دانش/نشانه‌ها ← پیوند کلامی ← شیوه بیان در می آید. این الگو نشان می‌دهد که گفتمان

قرآن پیش از هر چیز بر برجسته‌سازی ارزش‌ها و مفاهیم بنیادین تمرکز دارد، سپس از طریق ایجاد پیوندهای معنایی و هدایت کنش‌های انسانی، به ساخت هویت دینی می‌پردازد. در مراحل بعد، نظام معرفتی، روابط گفتمانی و الگوهای توزیع ارزش‌های اجتماعی نقش تکمیلی و پشتیبان را ایفا می‌کنند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که از منظر نظریه جی، گفتمان قرآن یک نظام معنایی ـ هدایتی است که با اولویت دادن به «اهمیت‌بخشی» و «شبکه‌سازی مفهومی»، زمینه شکل‌گیری هویت و رفتار مطلوب انسانی را فراهم می‌سازد.

٤. بحث

در پاسخ به سؤال اول پژوهش نیز مشخص شد که ساخت «اهمیت» در مقایسه با سایر ساخت‌های گفتمانی از بالاترین اولویت برخوردار است. این یافته نشان می‌دهد که قرآن کریم برای برجسته‌سازی مفاهیم اساسی، انتقال پیام‌های اصلی و افزایش تأثیرگذاری بر مخاطبان، بیش از سایر ساخت‌ها از ابزارهای زبانی مرتبط با اهمیت‌بخشی استفاده می‌کند. سلسله مراتب بسامد ساخت‌های گفتمانی در قرآن کریم بر اساس نظریه جی نشان داد که ساخت‌های گفتمانی هفت‌گانه در آیات مورد بررسی دارای توزیع یکسانی نیستند و به ترتیب «اهمیت» (٤٩٩ مورد)، «موضوعیت» (۳۸۲ مورد)، «عملکرد» (۲۹۵ مورد)، «هویت» (۲۸۱ مورد)، «دانش/نشانه‌ها» (۱۲۲ مورد)، «پیوند کلامی» (۹۹ مورد) و «شیوه بیان» (٧٤ مورد) بیشترین تا کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. این سلسله‌مراتب را نمی‌توان صرفاً یک ویژگی آماری دانست، بلکه بازتاب اهداف پیوندی، تربیتی و هدایتی قرآن کریم است. بر اساس نظریه جیمز پل جی، زبان همواره برای انجام وظایف اجتماعی و معنایی خاص به کار می‌رود؛ بنابراین فراوانی بیشتر یک ساخت نشان‌دهنده نقش محوری‌تر آن در تحقق اهداف گفتمان است. از این منظر، توزیع ساخت‌ها در قرآن را می‌توان در پرتو رسالت اصلی این کتاب آسمانی، یعنی هدایت انسان و اصلاح نظام فکری و رفتاری او، تبیین کرد.

در پاسخ به سوال دوم پژوهش، نخستین نکته قابل توجه، قرار گرفتن ساخت «اهمیت» در بالاترین رتبه است. از دیدگاه جی، زبان از طریق برجسته‌سازی برخی مفاهیم و کم‌رنگ کردن برخی دیگر، نظام اولویت‌های ذهنی مخاطب را شکل می‌دهد. قرآن نیز پیش از آنکه به آموزش رفتار یا ساخت هویت بپردازد، درصدد تعیین معیارهای ارزش‌گذاری است. به همین دلیل، مفاهیمی همچون توحید، ایمان، تقوا، عدالت، معاد، رحمت الهی و مسئولیت‌پذیری بارها و بارها در قالب‌های گوناگون تکرار می‌شوند. در واقع قرآن ابتدا به مخاطب می‌آموزد که چه چیزی مهم است و چه چیزی اهمیت کمتری دارد. بدون شکل‌گیری این نظام ارزشی، تحقق سایر اهداف تربیتی ممکن نخواهد بود. از این رو طبیعی است که ساخت اهمیت بیشترین فراوانی را داشته باشد؛ زیرا زیربنای همه ساخت‌های دیگر محسوب می‌شود.

قرار گرفتن «موضوعیت» در رتبه دوم نیز با ماهیت گفتمان قرآنی هماهنگ است. قرآن متنی است که بر پیوند میان مفاهیم، رویدادها و حوزه‌های مختلف زندگی انسان تأکید دارد. این کتاب میان دنیا و آخرت، ایمان و عمل، فرد و جامعه، گذشته و حال و حتی میان جهان طبیعت و حقیقت الهی پیوند برقرار می‌کند. از منظر نظریه جی، یکی از وظایف اصلی زبان ایجاد پیوند میان پدیده‌ها و شکل دادن به شبکه‌ای از معانی است. فراوانی بالای این ساخت نشان می‌دهد که قرآن تنها به بیان گزاره‌های مستقل نمی‌پردازد، بلکه مخاطب را به درک روابط عمیق میان امور مختلف دعوت می‌کند. در واقع ایجاد این شبکه معنایی زمینه لازم را برای فهم جامع پیام الهی فراهم می‌سازد و به همین دلیل پس از ساخت اهمیت، بیشترین حضور را در متن دارد.

ساخت «عملکرد» در رتبه سوم قرار گرفته است. این جایگاه بیانگر آن است که قرآن پس از تبیین ارزش‌ها و ایجاد شبکه معنایی، به هدایت رفتار انسان می‌پردازد. در نگاه قرآنی، ایمان و شناخت زمانی ارزشمند هستند که در عمل متجلی شوند. به همین دلیل بخش قابل توجهی از آیات به بیان دستورها، تکالیف، توصیه‌های اخلاقی و فعالیت‌های اجتماعی اختصاص یافته است. از منظر جی، زبان همواره فعالیت‌های اجتماعی را سازمان‌دهی می‌کند و افراد را به انجام کنش‌های خاص سوق می‌دهد. فراوانی بالای این ساخت نشان می‌دهد که گفتمان قرآن صرفاً معرفتی یا نظری نیست، بلکه به دنبال ایجاد تغییر عملی در زندگی فردی و اجتماعی مخاطبان است. در حقیقت قرآن پس از آنکه اهمیت امور را مشخص و روابط میان مفاهیم را تبیین کرد، مخاطب را به رفتار متناسب با آن ارزش‌ها فرا می‌خواند.

جایگاه چهارم ساخت «هویت» نیز قابل تأمل است. در بسیاری از پژوهش‌های گفتمانی، هویت یکی از بنیادی‌ترین کارکردهای زبان محسوب می‌شود، اما در این پژوهش هویت پس از اهمیت، موضوعیت و عملکرد قرار گرفته است. این نتیجه را می‌توان چنین تفسیر کرد که در قرآن هویت‌سازی پیامد فرایندهای پیشین است. به بیان دیگر، فرد زمانی به هویت «مؤمن»، «متقی» یا «صالح» دست می‌یابد که نخست ارزش‌های الهی را بپذیرد، روابط میان حقایق را درک کند و رفتار خود را بر اساس آن تنظیم نماید. بنابراین هویت در قرآن یک مفهوم ایستا و از پیش تعیین‌شده نیست، بلکه نتیجه پذیرش نظام ارزشی و عمل بر اساس آن است. از این رو بسامد آن هرچند بالا است، اما نسبت به سه ساخت پیشین کمتر گزارش شده است.

ساخت «دانش و نظام‌های نشانه‌ای» با وجود اهمیت بنیادین خود، در رتبه پنجم قرار گرفته است. علت این امر را می‌توان در ماهیت کارکردی این ساخت جست‌وجو کرد. قرآن یک نظام معرفتی مستقل ارائه می‌دهد که بر وحی، عقل، تفکر، تدبر و مشاهده استوار است، اما هدف اصلی آن تولید دانش به معنای صرف نیست. دانش در قرآن وسیله‌ای برای هدایت و اصلاح انسان محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، قرآن دانش را در خدمت ایمان، عمل و تعالی انسان قرار می‌دهد. از این رو انتظار نمی‌رود که این ساخت از نظر فراوانی بر ساخت‌هایی مانند اهمیت یا عملکرد غلبه داشته باشد. نقش اصلی آن فراهم کردن پشتوانه معرفتی برای سایر ساخت‌ها است و همین امر جایگاه میانی آن را در سلسله‌مراتب تبیین می‌کند.

دو ساخت «پیوند کلامی» و «شیوه بیان» کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. در خصوص پیوند کلامی باید توجه داشت که هرچند قرآن روابط متعددی میان خداوند و انسان، پیامبران و امت‌ها و مؤمنان با یکدیگر ترسیم می‌کند، اما هدف اصلی آن توصیف روابط اجتماعی نیست. این روابط بیشتر در خدمت انتقال ارزش‌ها، هویت‌ها و آموزه‌های هدایتی قرار دارند. به همین دلیل بسامد این ساخت کمتر از ساخت‌های محوری گزارش شده است.

در مورد ساخت «شیوه بیان» نیز باید گفت که این ساخت در نظریه جی به نحوه توزیع ارزش‌ها، منزلت‌ها و امتیازات اجتماعی اشاره دارد. قرآن هرچند معیارهای منزلت اجتماعی را بازتعریف می‌کند و ارزش‌هایی مانند تقوا، عدالت و ایمان را جایگزین معیارهای جاهلی همچون نسب، ثروت و قدرت می‌سازد، اما این موضوع هدف اصلی گفتمان قرآنی نیست. اصلاح ساختارهای اجتماعی در قرآن عمدتاً از مسیر اصلاح اندیشه، باور و رفتار انسان‌ها دنبال می‌شود. به همین دلیل این ساخت کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. در واقع قرآن ابتدا به اصلاح فرد می‌پردازد و سپس از رهگذر اصلاح فرد، جامعه را متحول می‌کند؛ بنابراین پرداخت مستقیم به سازوکارهای توزیع قدرت و منزلت اجتماعی در

اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرد.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که سلسله‌مراتب مشاهده‌شده در این پژوهش کاملاً با منطق درونی گفتمان قرآن و مبانی نظری جیمز پل جی سازگار است. قرآن برای تحقق هدف هدایتی خود، نخست به برجسته‌سازی ارزش‌ها و تعیین اولویت‌های فکری مخاطب می‌پردازد (اهمیت)، سپس میان مفاهیم و حوزه‌های مختلف زندگی پیوند برقرار می‌کند (موضوعیت)، پس از آن رفتارهای مطلوب را سامان می‌دهد (عملکرد)، در ادامه هویت دینی را شکل می‌دهد (هویت)، پشتوانه معرفتی لازم را فراهم می‌آورد (دانش/نشانه‌ها) و سرانجام روابط اجتماعی و معیارهای منزلت را تنظیم می‌کند (پیوند کلامی و شیوه بیان). بنابراین توزیع آماری ساخت‌ها نه یک امر تصادفی، بلکه بازتابی از راهبرد کلان قرآن در فرایند هدایت، تربیت و انسان‌سازی است. این یافته نشان می‌دهد که گفتمان قرآنی پیش از هر چیز یک نظام ارزش‌ساز و معناپرداز است و سایر ساخت‌ها در خدمت تحقق این مأموریت بنیادین قرار دارند. نتایج این پژوهش نشان داد که قرآن کریم برای انتقال پیام‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی از ساخت‌های گفتمانی متنوعی بهره می‌گیرد. تحلیل آیات بر اساس چارچوب نظری جی بیانگر آن است که میان ساخت‌های گفتمانی مورد بررسی نوعی سلسله‌مراتب کاربردی وجود دارد. بر این اساس، ساخت‌های «اهمیت»، «موضوعیت»، «عملکرد»، «هویت»، «دانش/نشانه‌ها»، «پیوند کلامی» و «شیوه بیان» به‌ترتیب بیشترین تا کمترین بسامد را در مکالمات قرآنی به خود اختصاص داده‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی آرایش، توزیع و سلسله‌مراتب ساخت‌های گفتمانی هفت‌گانه در آیات قرآن کریم بر اساس نظریه جیمز پل جی انجام شد و نتایج نشان داد که الگوی توزیع این ساخت‌ها در قرآن از یک منطق منسجم و هدفمند هدایتی، تربیتی و معرفتی پیروی می‌کند؛ به‌گونه‌ای که برخلاف تصور توزیع متوازن، برخی ساخت‌ها نقش محوری‌تر و برخی نقش پشتیبان دارند. بررسی داده‌های آماری نشان داد که ساخت «اهمیت» با بیشترین حضور، نشان‌دهنده تلاش قرآن در گام نخست برای برجسته‌سازی مفاهیم، ارزش‌ها و باورهای بنیادین همچون توحید، ایمان و تقوا و شکل‌دهی نظام ارزشی مخاطب است. پس از آن، ساخت «موضوعیت» در رتبه دوم قرار گرفت که بیانگر نگاه کل‌نگر و شبکه‌ای قرآن به حقیقت و زندگی از طریق پیوند میان دنیا و آخرت، ایمان و عمل، و فرد و جامعه است.

ساخت‌های «عملکرد» و «هویت» به ترتیب در جایگاه‌های سوم و چهارم قرار گرفتند که گواهی بر عمل‌محور بودن قرآن و اهتمام آن به هدایت رفتار و تربیت انسان از طریق بازتولید هویت‌های ایمانی نظیر مؤمن، متقی و صالح در برابر کافر و منافق است. ساخت «دانش و نظام‌های نشانه‌ای» در رتبه پنجم جای گرفت که نشان‌دهنده اتکای نظام معرفتی قرآن بر پایه وحی، عقل و تفکر برای مشروعیت‌بخشی به سایر ساخت‌هاست، در حالی که دو ساخت «پیوند کلامی» و «شیوه بیان» کمترین فراوانی را به خود اختصاص دادند؛ این امر نشان می‌دهد تمرکز اصلی قرآن بر تحول نظام فکری، باورها و کنش‌های فردی است و تحول اجتماعی از همین مسیر دنبال می‌شود.

در مجموع، نظریه جی کارآمدی بالای خود را در آشکارسازی لایه‌های پنهان معنا، سازوکارهای هویت‌سازی و ارزش‌پردازی در قرآن اثبات کرد و نشان داد توزیع ساخت‌ها بازتابی از فلسفه انسان‌ساز این کتاب آسمانی است. با این حال، محدودیت‌هایی نظیر تمرکز بر بخشی از آیات، استفاده از تعداد محدودی ترجمه و تفاسیر و اتکا صرف به چارچوب جی بر دامنه تعمیم نتایج تأثیر گذاشته است. از این رو، برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود بررسی تطبیقی فراوانی

ساخت‌ها در سوره‌های مکی و مدنی انجام گیرد، نظریه جی با رویکردهای دیگر تحلیل گفتمان نظیر نورمن فرکلاف، تئون ون دایک و روث وداک مقایسه شود، از نرم‌افزارهای تحلیل متن استفاده گردد و با بررسی تمامی آیات قرآن کریم، تصویری جامع‌تر و فراگیرتر از ساخت‌های گفتمانی ارائه شود.

۶. منابع

- قرآن کریم

۱. الهی قمشه‌ای، مهدی، (۱۳۸۲)، *ترجمه قرآن کریم*، قم: پویشگر.

۲. تمیمی، سیدحاتم، (۱۳۹۲)، *نمایش روابط قدرت از طریق نظریه ادب در انواع کنش‌های گفتاری*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه.

۳. حجتی، محمدباقر، (۱۳۷۲)، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۴. حمدان نذیر، (۱۳۹۳)، *پدیدار شناسی و زیباشناسی قرآن کریم*، ترجمه انسیه هاشمی، تهران، مدرسه اسلامی هنر.

۵. خرمشاهی، بهاء الدین، (۱۳۷۰)، *آشنایی با پروژه‌های تحقیقاتی قرآن کریم*، تهران، نشر مشرق.

۶. خرمشاهی، بهاء الدین، (۱۳۸۶)، *آشنایی با سوره‌های قرآن*، تهران، نشر مشرق.

۷. راسخ مهند، محمد، (۱۳۹۳)،*درآمدی بر زبان شناسی شناختی*، تهران، سمت.

۸. ساعدی، ابوالفضل، (۱۳۸۱)، *نظریه کنش گفتاری آستین در فهم زبان قرآن*، قبسات.

۹. صفوی، کورش، (۱۳۸۷)، *درآمدی بر معنی شناسی*، تهران، انتشارات سوره.

۱۰. طباطبایي، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، *قرآن دراسلام*، دفتر انتشارات اسلامي،چاپ پنجم ۱۳۷۴.

۱۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی.

۱۲. عباسی، مهدی، (۱۳۹۲)، *بررسی کنش گفتاری در جزء سی‌ام قرآن کریم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زاهدان.

۱۳. عبدالرئوف، حسین، (۱۳۹۰)، *سبک شناسی قرآن کریم*، ترجمه پرویز آزادی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران.

۱۴. قمری، عبد الستار، (۱۳۸۶)، *تاریخ قرآن*، کرمانشاه، دانشگاه رازی.

۱۵. کامیار، محمود ، (۱۳۶۲)، *تاریخ قرآن* ، تهرآن ، امیر کبیر

۱۶. محدثی، جواد، (۱۳۶۲)، *آشنایی با سوره‌های قرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۴)، *ساختار زبان قرآن*، تهران، صدرا.

۱۸. نادری، عزت اله، (۱۳۹۳)، *روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران، انتشارات ارسباران.

۱۹. ولی‌خواه، محمد، (۱۳۸۲)، *درآمدی بر تاریخ قرآن*، قم، سازمان اوقات و امور خیریه، مرکز ترجمه‌قرآن مجید به زبانهای خارجی.

۲۰. ویسی، الخاص، اورکی، غلامحسن، (الف۱۳۹٤)، "تحلیل ساختار زبان در چارچوب نظریه معاصر استعاره"، *پژوهش‌های ادبی قرآنی*، اراک.

۲۱. ویسی، الخاص، اورکی، غلامحسن، (ب۱۳۹٤)، *کارکردهای معنایی و توان منظوری مجلات استفهامی*، *مجله ذهن*،

تهران.
22. Austin, J. L., (1975), *How to do things with words* (2nd ed.), Oxford University Press.
23. Bach, K., & Harnish, R. M., (1979), *Linguistic communication and speech acts*, MIT Press.
24. Gee, J. P., (2014), *An introduction to discourse analysis: Theory and method* (4th ed.), Routledge.
25. Lyons, J., (1995), *Linguistic semantics: An introduction*, Cambridge University Press.
26. Saeed, J. I., (2009), *Semantics* (3rd ed.), Wiley-Blackwell.
27. Searle, J. R., (1969), *Speech acts: An essay in the philosophy of language*, Cambridge University Press.
28. Searle, J. R., (1979), *Expression and meaning: Studies in the theory of speech acts*, Cambridge University Press.
29. Yule, G. (2010), *The study of language* (4th ed.), Cambridge University Press.